

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«السَّلَامُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ الْمُؤْمِنِينَ وَ مُبِيرِ الْكَافِرِينَ السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الْأُمَمِ. السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَ الْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ.» سلام بر آن امامی که موجب احیاء مؤمنین و نابودی کافران خواهد شد. سلام بر مهدی امت، سلام بر قائم منتظر و عدل مورد نظر... سلام بر بقیة الله در هرجایی، که آن جا شهر خدا خواهد بود.

**1- شرط صحیح نگاه کردن به پرتو نور خدا در «خود» و در «تاریخ».** با توجه به این که امام مهدی ما، موعود موجود است. در زندگی باید به آن افق نهایی انسانیت نگریست و نگاه به نهایی ترین مرحله تاریخ، این است شرط صحیح نگاه کردن به پرتو نور خدا در خود و در همه تاریخ.

**2- ما از دریا دور نیستیم.** اگر واقعیت ما «وجود» ما می باشد و آن همان «حیات» ما است که در وجود و هستی خود، مانند نفس کشیدن، حضوری دیگر را مد نظر داریم تا به وجود خود وفادار بمانیم، وجودی که رودی است متصل به دریا، پس ما از دریا دور نیستیم تا از جان های بزرگ که بنیان انسانیت انسان ها می باشند، یعنی انسان های کامل، دور باشیم و گرفتار تنزل انسان شویم و از حیات و از زندگی و از «وجود» دور گردیم. اینجا است که به انسان کاملی زنده و موجود نیاز داریم تا خود را پاره ای از او احساس کنیم و راه مان جدا باشد از آنانی که حضور امام حی و موجود ما را برای ظهور در فردایش، از امروزمان جدا و دور می کنند. امامی که هم اکنون تا این اندازه در نایب خود حاضر است. نایبی که با سخنان و سیره خود به او اشاره دارد تا انسان از محتوایی که در بنیان خود نسبت به حضرت صاحب الامر «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» دارا است، بهره مند شود.

**3- عالم گیری انسانیت انسان ها.** آیا نباید منتظر برآیند کارهای انبیاء و اولیاء در تاریخ بود؟ پیامبر خدا «صلوات الله علیه و اله» فرمودند: «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بِشِيرَاءٍ، لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَالِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدَى الْمَهْدِيِّ»، قسم به خدایی که مرا مبعوث کرد تا از خوبی ها خبر بدهم، اگر از دنیا نمانده باشد مگر يك روز، خدا آن روز را آن قدر طولانی می کند تا این که مهدی که فرزند من است، ظهور کند. «وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ» حاکمیت فرزندانم که حاکمیت اسلام نهایی است، مشرق و مغرب را فرامی گیرد. به همان معنایی که انسانیت انسان ها تحت تأثیر حضور انسان کامل، عالم گیر می شود و همگان خود را در آن حضور متعالی احساس می کنند.

**4- جستجوی «خود» در سیر از آدم «علیه السلام» تا حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه».** آن کس که غایت تاریخ را می شناسد و می فهمد که عصاره کار همه انبیا و اولیای الهی تنها با ظهور انسانی کامل و رهبری بزرگ در زمین محقق می گردد، در آن صورت است که در زندگی خود به هیچ کار بی ریشه ای در زمین دل نمی بندد و همه کارها را براساس نظر به انسان کامل ارزیابی می کند و خود را در زنجیره جهت دار حضور تاریخی حضرت آدم «علیه السلام» تا حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» جستجو می نماید. حال باید از خود پرسیم «ما امروز در کجای آن تاریخ هستیم؟»

**5- و این، همه مرگ است.** امروز ما زنده ایم به وجود فردایی که حضور شدیدتر ما می باشد و هم اکنون با آن فردا و در آن فردا باید زندگی کنیم تا امروز ما معنا داشته باشد. زیرا همه هستی به انتهای پرثمر خود در سیر و در شوق هستند؛ وقتی زمین آنچه به واقع باید محصول بدهد در زمان مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» است، اگر انسان به آن مقصد نظر نداشته باشد، به قله ثمردهی خود نظر نکرده است و عملاً حالت بی ثمری خود را پذیرا شده است و این، همه مرگ است و همه سوء ظن به خدا.

**6- حضور در اکنونی متصل به دیروز و فردای توحیدی.** وقتی آدم ها به جوه نهایی زندگی زمینی خود فکر نکنند و به وضع موجودشان تسلیم شوند، به پایان انسانیت خود رسیده اند. اگر فرموده اند: در زمان حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» زمین به نهایی ترین ثمره خود می رسد؛ نکته مهمی را گوشزد می کنند. همان طور که فرموده اند: یاران امام مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» روی هر قسمتی از زمین که راه بروند

آن قسمت از زمین نسبت به زمین کنار خود فخر می‌کند. مگر نه این است که تمام عالم باید بستر پروریدن عالی‌ترین نحوه وجود انسانی بشود؟ معلوم است که زمین به چنین انسان‌هایی افتخار می‌کند، زیرا خلقت زمین برای همین امر بوده است. در همین رابطه صدرالدین حموی می‌گوید: «لَمْ يَخْرُجِ الْمَهْدَى حَتَّى يُسْمَعَ مِنْ شِرَاكِ نَعْلِيهِ أَسْرَارِ التَّوْحِيدِ»؛ مهدی خروج و قیام نمی‌کند مگر اینکه از بند کفش او اسرار توحید شنیده می‌شود. با توجه به این امور اگر کسی سنت خدا در تاریخ را درست بفهمد، هرگز حضور امام مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» برایش از یاد رفتنی نیست، زیرا آینده‌ای که ادامه حال باشد، آینده نیست، بلکه حال است و حضور انسان در اکنونی که متصل به دیروز و فردای توحیدی است، حضور حقیقی می‌باشد.

**7- اتصال به انسانیت انسان کامل.** از پیامبر اکرم «صلوات‌الله‌علیه و آله» درباره حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» پرسیدند؛ و حضرت فرمودند: او غیبتی طولانی دارد. جابر سؤال می‌کند: «هَلْ يَنْتَفِعُ الشَّيْعَةُ بِالْقَائِمِ» «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» فی غَيْبَتِهِ؟ آیا شیعه در غیبت حضرت قائم «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» از او بهره‌مند می‌شود؟ پیامبر خدا «صلوات‌الله‌علیه و آله» می‌فرمایند: آری! به خدایی که مرا به نبوت برگزید، در زمان غیبت، نور و رحمتش از مردم بریده نمی‌شود مثل بهره‌مندی مردم از خورشید در پشت ابر. این است آن رابطه‌ای که انسان‌ها در بستر حضور انسانی خود هم اکنون می‌توانند از انسانیت انسان کامل بهره‌مند شوند.

**8- انسان موجود در راه است.** اگر حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» از نظر وجود و احساسی که هرکس از خود دارد، جانی هستند که جان همه انسان‌ها به حساب می‌آیند و هم اکنون هرکس می‌تواند در جان خود آن حضور نهایی را، هرچند به صورتی نازل تجربه کند؛ در آن صورت عملاً ابعاد متعالی خود و دیگر انسان‌ها را تجربه کرده است، هرچند آن حضور مستور و غایب باشد ولی در عین غایب‌بودن، روشنی‌بخش جان‌ها است و جان‌ها را به سوی نهایی‌ترین نهایت حضور جلو می‌برد و از این جهت «انسان موجود در راه است» و خود را با راه‌بودن احساس می‌کند و از پروردگار خود تقاضا می‌کند: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» زیرا تفکر و اندیشه حقیقی همین در راه‌بودن است و حضور در شدنی بعد از شدن که مهم‌ترین مسئله تفکر حقیقی نیز هست.

**9- انسان منتظر و عمق‌بخشیدن به ابعاد وجودی خود/ امام جواد «علیه السلام» می‌فرمایند:** «أَفْضَلُ أَعْمَالِ شَيْعَتِنَا أَنْ تَنْظُرَ الْقَرَجَ» بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است. حضرت سجاد «علیه السلام» در وصف منتظران حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» می‌فرمایند: «الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ

بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهَدَةِ» غیبت نزد آن‌ها همانند مشاهده است. این است آن حضوری که انسان آخرالزمانی سخت به دنبال آن است که در اکنون خود ارتباطی وجودی با انسان کامل دارد و ذیل نظر به حضور حضرت صاحب‌الأمر «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» همان ابعاد انسانی خود را عمق و گسترش می‌دهد.

**10- جایگاه نهایی‌ترین حضور آخرالزمانی.** آیا می‌توان در راستای بودن و شدن خود در «وجود» و در «هستی»، به نمادهایی از انسانیت نظر کرد که هستی ما در آینه وجود آن‌ها در حرکت است؟ این در صورتی است که از یک طرف در وجود خود، در عین شدن، حاضر شویم و از طرف دیگر جهتی را در شدن خود مد نظر داشته باشیم تا علاوه بر آن‌که در نزد خود هستیم، در آینده‌ای بسی توحیدی حاضر باشیم که جدا از ما نیست، بلکه آن آینده، انعکاسی شود از وضعیت امروزی ما. گویا می‌توان با نظر به مولایمان علی «علیه السلام» در صدر اسلام و با نظر به حضرت روح‌الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در این زمان، به نمادهایی نظر کرد که هستی ما در آینه وجود آن‌ها در حرکت است. در این صورت علاوه بر این‌که ما در فردای خود حاضر خواهیم بود، خود را در نزد همه انسان‌هایی که خود را با این نمادها تعریف کرده‌اند، حاضر می‌یابیم و این حضور می‌تواند همان نهایت حضوری باشد که در انسان‌های مؤمن آخرالزمانی با نظر به امامی که حی و حاضرند، پیش می‌آید و ما می‌توانیم در طلوع آن حضور و آن احساس حاضر باشیم، اگر «اصالت وجود» و «حضور بیکرانه اکنون» انسان مد نظر باشد.

**11- زیباترین طلب در ظهور نهایی‌ترین انسان.** انسان با ظهور حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» در نهایت خود به کمال می‌رسد و با توجه به این امر معلوم می‌گردد چرا امام صادق «علیه‌السلام» توجه خاصی به امام زمان «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» دارند و می‌فرمایند: «لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي» اگر مهدی را درک کنم تمام عمر در خدمت او قرار می‌گیرم. و یا امام حسین «علیه‌السلام» می‌فرمایند: مردی نزد پدرم آمد و از اوصاف مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» پرسید. حضرت وقتی صفات او را ذکر کردند با حالتی سرشار از عشق و شیدایی آهی کشیدند و از شدت اشتیاقی که به ایشان داشتند؛ «أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْتِهِ» به سینه خود اشاره فرمود و گفتند: وه که چه مشتاق دیدارش هستم. این به جهت آن است که حضرت مولای متقیان «علیه‌السلام» متوجه ظهور نهایی‌ترین انسان در منظر جهانیان می‌باشند و این زیباترین طلب است در نظر به ظهور نهایی‌ترین انسان.

**12- راهی در راستای روشنی افق جان.** حضرت باقر «علیه‌السلام» می‌فرمایند: «مَا ضُرَّ مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِأَمْرِنَا إِلَّا يَمُوتُ فِي وَسْطِ فُسْطَاطِ الْمَهْدِي وَ عَسْكَرِهِ» ضرر نکرده کسی که در حال انتظار امر ما رحلت کرده، از این‌که میان خیمه مهدی و لشکر او نمرده است. چون در طول زندگی، افق خود را در شرایط ظهور آن حضرت قرار داده است. همین‌که انسان ملاحظه می‌کند و می‌فهمد معنای حضور امام زمان «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» در این زمانه یعنی چه؛ خود به خود افق جان‌ش روشن می‌شود که اگر به یک معنا آن حضرت با غیبت خود در دوردست‌ها می‌باشند ولی ما نسبت به آن حضرت و نسبت به وجود انسانیت آن حضرت بیگانه نیستیم. انسان معتقد به ظهور مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» به فردایی می‌اندیشد که امروزش سخت به آن مربوط است و در نتیجه، همین امروز در فرج است و ماورای سایه سیاه زمانه، زندگی می‌کند و زندگی خود را بزرگتر از محدوده امروز تعیین کرده و با حضوری گسترده به زندگی ادامه می‌دهد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته